

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه اول، ۲۲ شهریور ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل بورس/پیش‌نیازهای بحث از بورس

### 1- بحث اخلاقی

اولین جلسه در سال تحصیلی جدید در ماه حزن و مصیبت عظمایی که بر هستی وارد شده و عزای سید الشهداء علیه السلام است. هر روز بحث را متیمن به حدیثی می‌کنیم. امروز هم حدیثی از عظمت ابی عبدالله الحسین علیه السلام:

#### 1.1- عظمت امام حسین علیه السلام

در بحار و مجامع روایی دیگر نیز هست. اهل عامه هم نقل کرده‌اند [1].

«قال رسول الله ص: من احب ان ينظر الى احب اهل الارض الى اهل السماء فلينظر الى الحسين عليه السلام [2].»

ترجمه روان: هر کس که دوست دارد (عنوان محبت) نظر کند (رؤیت نیست نگاه سیر و سلوکی و علمی است) از روش علمی و عملی امام حسین علیه السلام توشه بگیرد؛ بهترین چهره زمینی در آسمان‌ها پس به حسین علیه السلام بنگرد. (لا اله الا الله)

#### 1.2- دو مطلب در دلالت و معنای حدیث

##### 1.2.1- عنوان محبت و نظر

رابطه‌ای بین محبت و نظر هست. عین ارتباط است. یعنی دوستی ما را به علم و عمل وا می‌دارد. دوست‌داری ما را به صاحب‌نظری می‌رساند. ما اگر با محبت بودیم با نظریم. بی‌محبتی مساوی با بی‌نظری است. هل الدین الا الحب [3].

حب و بغض شخصیت انسان را تأمین می‌کند. صاحبان محبت صاحبان نظر هستند. اگر کسی به محبت نرسد صاحب نظر نمی‌شود.

##### 1.2.2- عنوان اهل ارض و اهل سماء

می‌توانیم بگوییم اهل ارض نماد همه افتادگان است و اهل سماء نماد همه بلندمرتبه‌ها است. آیه شریفه ﴿كَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعَلِيَا﴾ [4] از اینجا شروع می‌شود.

در تعبیری از الهی‌نامه بحمدالله گفتیم:

الهی نه ایبی نه آنی هم ایبی هم آنی [5].

آغاز و انجام یکی است. سفل و علوی یکی می‌شود. خوشا به حال کسانی که حرکت را از ارض شروع کردند ولی در ارض نماندند. از زمین شروع کردند ولی زمینی نشدند آسمانی شدند. این هنر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام است.

«اعوذ بالله من کرب و بلاء» [6].

کرب و بلاء است که می‌تواند انسان را علوی کند. در کرب و بلاء استعاذه باید به کرب و بلاء باشد که مدفن سالار شهیدان علیه السلام است.

### 1.3- رابطه توسل به امام حسین علیه السلام و تفقه در دین

ما به این نتیجه رسیدیم اعزه من در اولین روز بحث اگر می‌خواهید صاحب نظر شوید ایی عبدالله علیه السلام را دریابید. اگر می‌خواهید اهل بصر و فقیه در اصول و فروع شوید ایشان را دریابید. التفقه و التفهم. الآن در محضر حضرت معصومه علیها سلام عرض می‌کنیم: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ [7].

نظرمان این است که ارواح، ارواح مطلق است در معنا و عمل. در نوشته‌هایمان هم چاپ شده است. هم اصحاب، هم طوایف دیگر و هم انسان را در تمام زمان‌ها شامل می‌شود.

آستانه حضرت وسیع‌ترین آستانه‌ها است. متضلع شویم. نقل شده است رفیقی از رفقای مرحوم شیخ انصاری و مرحوم دربندی حالات این دو را در مکاشفه و سیر و سلوکی دید. رفیق و هم بحث بودند. یکی مثل مرحوم دربندی متوسل بود و دیگری فقیه متضلع بود. هر دو مقامشان بالا است. دید مرحوم دربندی جلوتر است. پرسیدند چرا؟ گفتند چون در مجالسش ذکر الحسین را داشت ولی به آن اندازه شیخ نداشت [8]. شیخ انصاری خاتم الفقها و المجتهدین است. همه با کتب او مجتهد می‌شوند. خودش صاحب مکاشفات است.

توسل شاگرد شیخ انصاری به امیرالمؤمنین علیه السلام

مرحوم شیخ عبد الرحیم تستری شاگرد شیخ درس را نمی‌فهمید متوسل شد به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام. در خواب حضرت علی علیه السلام را دید که در گوش او بسم الله را گفتند. روز بعد درس را می‌فهمید اشکال زیاد کرد. بعد از درس شیخ انصاری به آقا شیخ عبد الرحیم گفتند آن کسی که در گوش تو بسم الله را گفت تا و لا الضالین در گوش ما خواند [9].

در این اول سال حالات مرحوم دربندی را نهادینه کنیم. روزی را بی‌سلام بر امام حسین علیه السلام نگذرانیم. شیطان ما را نرباید. غفلت نکنیم.

«ان لقتل الحسين عليه السلام في قلوب المؤمنين حرارة لا تبرد ابدا» [10].

ما صاحب آهن نیستیم سرد شویم ما صاحب آه هستیم. کسی که صاحب آه شود سرد نمی‌شود. نظریات فقهی‌تان را با توسلات استحکام کنید. اگر هم در طریق اشتباه کند یادآوری‌اش می‌کنند.

السلام على الحسين و على بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين [11].

عاجزانه عرض می‌کنیم عبیدانه و محبانه نه عارفانه با معرفت ناقص خود و «ما عبدناك حق عبادتك و ما عرفناك حق معرفتك [12]»، ما می‌خواهیم به مقام کرامت کریمه اهل بیت علیهم السلام و امام علی علیه السلام و امام زمان علیه السلام از ما راضی باشند و دست ما را بگیرند. ﴿هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُذَّتْ إِلَيْنَا﴾ [13]. دستمان خالی است در دنیا و آخرت. دستمان را بگیرید که عروة الوثقی هستید.

## 2- پیش‌نیاز بحث بورس

عزیزانی درخواست کردند مسائل مستحدثه بورس را بحث کنیم. بعد از بحث کرونا که مورد استقبال شد. ما از امروز وارد بحث بورس می‌شویم که مبتلا به است و سوال بر انگیز است. باید برخی مسائلش تبیین شود.

مباحث مبتلا به و مستحدثه را باید حوزه بحث کند. مورد نیاز جامعه علمی و عملی هست.

### 2.1- تقسیم بندی مباحث فقهی

ساختار فقه را ملاحظه دارید. متقدمین و نزدیکان به عصر معصومین علیهم السلام همه مسائل را گوناگون بحث کرده‌اند. برخی به عبادات و معاملات تقسیم کرده‌اند. معاملات را به ایقاع و عقود تقسیم کرده‌اند. طهارت تا دیات کتاب‌های متعدد است (قریب به ۵۰ باب).

از طهارت که نیاز اولیه است تا حدود و دیات که جبران خسارت‌ها و ضمان اعضای افراد و دیه است.

سعی آنها مشکور است. کتب فقهی زیادی نوشته شده که وارد تفصیلش نمی‌شویم. مرحوم محقق در شرایع و به تبع ایشان صاحب جواهر یک طور وارد شده‌اند [14]. شهیدین در لمعه و روضه طور دیگر، شیخ در نهاییه و مبسوط به گونه‌ای دیگر وارد بحث شده‌اند [15].

### 2.1.1- تقسیم بندی استاد از ابواب فقه

با کمال معذرت از همه این بزرگان با توجه به اینکه انسان را به اُنس او می‌دانیم او را دارای چند اُنس می‌دانیم.

فقه پویا و گسترده و تکامل یافته وارد به پاسخ‌گویی به نیاز انسان در ابعاد انسی او می‌شود. ساختار فقه این طور روان‌تر و بهتر و کامل‌تر است. قائل به حصر عقلی نیستیم بلکه استقرایی است. شاید اقسام و ابواب دیگری اضافه و بیان شد.

#### 2.1.1.1- اُنس انسان با خالق

نظر ما این است که اولین اُنس او با خالق و خدای اوست. این اُنس باعث جعل و انشا و تکامل چند بخش از فقه ما می‌شود. فقه در مقام عمل مورد نیاز است. موضوع فقه افعال مکلفین است.

همه چیزهایی که به وجود می‌آید عنوان عبادات دارد.

اسمش را می‌گذاریم عبادات. باید قصد تقرب داشته باشد. این عنوانش واجب تقریبی است. مانند کتاب صلاة، کتاب صوم، کتاب اعتکاف، کتاب زکات، کتاب خمس، کتاب حج، کتاب عمره.

#### 2.1.1.2- اُنس انسان با انسان یا خلق

عنوان دیگر اُنس انسان با انسان است. معاملات، عقود و ایقاعات و نظام خانوادگی اینجا مطرح است. از اُنس‌های انسان با خانواده است که جمع خاصی است. نکاح و طلاق و لعان و ایلاء، بحث ظهار و مانند آن.

کتاب تجارت، کتاب رهن، کتاب مفلس، کتاب حجر، کتاب ضمان، کتاب صلح، کتاب مضاربه، کتاب مزارعه و مساقات، کتاب ودیعه، کتاب عاریه، کتاب اجاره، کتاب وکالت، کتاب وقف و صدقات، کتاب هبات، کتاب سبق و رمایه، کتاب وصایا، کتاب اقرار، کتاب جعاله، کتاب ایمان، کتاب نذر، شفعه، لقطه، ارث، غصب.

#### 2.1.1.3- اُنس انسان با خودش

از لحاظ مسائل فقهی بیان می‌کنیم و حلال و حرام. رابطه انسان با خودش جنبه شخصی و اجتماعی. مسائل اخلاقی را هم باید جواب دهیم. تعدادی از کتب فقهی اینجا قابل تبیین هستند. مثل کتاب طهارت.

#### 2.1.1.4- انس انسان با طبیعت

رابطه انسان با طبیعت هم رابطه چهارم است. این بهترین ساختار مباحث فقهی است. انسان و جهان و طبیعت. اینجا ابواب فقهی مطرح می‌شود. مثلاً حیا، تزویج، اطعمه و اشریه، صید و ذباحت و احیای موات.

#### 2.1.1.5- انس انسان با حاکمیت و ولایت

رابطه پنجم با توجه به ابواب فقهی را قائل هستیم که رابطه انسان با دولت و حاکمیت و حکومت است یا با ولایت.

فقه را ولایی می‌دانیم. بحث حکومت، قضا، شهادت، حدود، قصاص، دیات، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اینجا قابل طرح است. مسائل فقهی را با این پنج رابطه قابل قسمت می‌دانیم.

در فقه صحبت انس انسان با خدا، با دیگران، با طبیعت و با حکومت. از این انس‌ها مسائل فقهی به وجود می‌آید.

#### 2.1.2- نظر استاد در تمایز علوم

به لحاظ فعلی رابطه با طبیعت را جدا می‌کنیم. تمایز علوم را به همه انواع می‌دانیم. به وجهی از وجوه. مورد نیاز موضوع است یا غایت یا روش. بحثی در علوم مختلف نیاز است بحث شود. مثلاً قاعده لا ضرر را مرحوم آخوند در کفایه مطرح کردند [16]. و حال آنکه قاعده فقهی است.

رابطه با حاکمیت هم حق خاصی به آن می‌دهیم و گرنه جزو رابطه با دیگران است. انسان به اجمال سه انس دارد. انس با دیگران شامل طبیعت و حکومت هم می‌شود.

#### 2.1.3- جایگاه بورس در تقسیم ابواب فقهی

در ساختار بحث بورس رابطه انسان با دیگران است. معامله است. در معاملات است که مصرحه نیست. جزو مسائل مستحدثه است. در کرونا هم بحث کردیم و اصرار داریم بر این مبنا که برخی فقه مضاف سریع درست می‌کنند. فقه کرونا یا فقه بورس. ما این را قبول نداریم.

ما در حد فقه مضاف نمی‌دانیم این مسائل را. مسأله مستحدثه است. مسأله مبادی و موضوع دارد و بحث می‌شود باب و فقه مستقلی نیست. دامنه فقه گسترده‌تر از این است. کلیات را داریم فروعات را باید استخراج کنیم.

### 2.2-تعریف مسائل مستحدثه

در تعریف مسأله مستحدثه این گونه تعریف می‌کنیم: هر موضوع جدیدی که حکم شرعی آن موضوع منصوص نباشد. مسأله مستحدثه مسائل و موضوعاتی است که جدید است و حکم شرعی منصوص ندارند.

اعم از اینکه اصلا موضوعی در گذشته نداشت و یا موضوع داشت ولی قیود جدیدی یافت.

### 2.3-اقسام مسائل مستحدثه

#### 2.3.1-موضوع نبوده و در این زمان پیدا شده است

مسأله مستحدثه که نص ندارد، گاهی موضوع ندارد مانند فضای مجازی. کارت‌های اعتباری و بورس، رحم اجاره‌ای و لقاح مصنوعی.

هنر فقهاتی فقیه در این مسائل مستحدثه تجلی می‌کند. فقهای گذشته مسأله جدیدی را به فرد می‌دادند تا نظرش را بیاورد. اگر می‌توانست نظرش را استخراج کند اجتهادش را می‌دادند.

در مسائل کرونا که گذرانندیم برخی شب‌ها ۷۰۰-۸۰۰ روایت را می‌دیدیم. حق همین است.

در بورس ببینید چقدر فضای عجیبی است. چقدر اسلام باز است. جادوانه است و به روز. همه بیان شده است.

مسائل مستحدثه بورس را تحت عنوان معاملات قرار می‌دهیم.

#### 2.3.2-موضوع بوده ولی منصوص نبوده است

برخی موضوعات گاهی بوده ولی منصوص نبوده است. در خرید و فروش پلاسما که خونابه است قبلا بحث بیع دم بوده است. پلاسمای خود مبتلا به کرونا که خوب شده مانند واکسن است. اگر بگویند این مقدار می‌فروشم، از مسائل مستحدثی است که موضوعش منصوص بوده در خرید و فروش خون. کتاب مسائل کرونا در حال آماده‌سازی چاپ است.

موضوع خون گذشته فرق کرده است. قبلا برای خون‌خواری بود. می‌خواستند خود را جنگجو نشان دهند خون می‌خوردند. غذایی با خون داشتند. مصرفش فقط خوراکی بود و ائمه علیهم

السلام نهی کردند [17]. ولی الآن موضوع تغییر کرده است و منعفت محلله زیادی دارد. یا موضوع جدید نبوده است و یا قیود جدیدی یافته و مسأله نو شده است. خون الآن مالیت دارد بر خلاف گذشته.

#### 2.4- تغییر موضوعات و عدم تغییر احکام

موضوعات متغیر هستند ولی احکام غیر متغیر هستند. احکام الهی از قضای الهی است و موضوعات از قدر الهی است. این را به ذهن مبارک بسپارید. قضا لا یتغیر است ولی قدر متغیر است چرا که مرتبط به زمان است. احکام فوق زمان است.

هر مسأله جدید به ذهنتان رسید فهرست کنیم تا یکایک به آن برسیم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین. و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین.

---

[1] مصنف ابن ابی شیبة، ابن ابی شیبة، أبو بکر، ج 6، ص 200.

[2] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج 43، ص 297.

[3] المحاسن، البرقي، ابو جعفر، ج 1، ص 263.

[4] سوره توبه، آیه 40.

[5] ر.ک: الهی نامه، هادی عباسی خراسانی، باران حکمت.

[6] اللهورف علی قتلی الطفوف، السید بن طاووس، ج 1، ص 81.

[7] مفاتیح الجنان، القمي، الشيخ عباس، ج 1، ص 558.

[8] جرعه ای از کرامات امام حسین علیه السلام، علی اکبر مهدی پور.

[9] <http://www.rahpuyaneeshgh.blogfa.com/post/181>

[10] جامع أحادیث الشيعة، البروجردي، السید حسین، ج 12، ص 556.

[11] مفاتیح الجنان، القمي، الشيخ عباس، ج 1، ص 558.

[12] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج 68، ص 23.

[13] یوسف/سوره 12، آیه 65.

[14] شرائع الإسلام- ط استقلال، المحقق الحلبي، ج ١، ص ٥.

<https://wikifeqh.ir/> [15] ابواب فقه.

[16] كفاية الأصول، الآخوند الخراساني، ج ١، ص ٣٨٠.

[17] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٧، ص ٨٤، أبواب ما يكتسب به، باب ٢، ح ١، ط آل البيت.